



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق احسن البصم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

وَدَّ كَلِمَاتٍ ذَاتِ حَقٍّ وَرِثَةٍ

بیمایید به خدای خود
اعتماد کنیم!

توکل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توکل: بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!

نویسنده:

اصغر بهمنی

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	توکل : بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۱	پیشگفتار
۱۳	تعریف توکل
۱۳	تعریف توکل از نظر لغوی
۱۴	تعریف توکل در اصطلاح دانشمندان اسلامی
۱۶	جمع بندی واژه توکل در قرآن
۱۹	توکل تنها باید به خداوند باشد
۲۱	اهمیت و ویژگی توکل بر خداوند
۲۳	وجوب و ضرورت توکل
۲۷	درجات توکل
۳۰	توجه به تلاش ها و اسباب در راستای توکل
۳۵	آثار و نتایج توکل
۳۵	اشاره
۳۵	۱ - محفوظ بودن از شر دشمنان:
۳۶	۲ - برخورداری از نصرت الهی و پیروزی در برابر جباران:
۳۷	۳ - برخورداری از نعمت و فضل الهی:
۳۸	۴ - زمینه ساز دعا و نیایش:
۳۸	۵ - ظهور ایمان:
۳۹	۶ - رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی:
۴۱	۷ - دور ماندن از وسوسه های شیاطین:

۴۲	۸ - جلب مهر و محبت الهی:
۴۳	۹ - برخورداری از کفایت الهی:
۴۶	زمینه های توکل
۴۸	مواضع توکل
۴۸	اشاره
۴۸	۱ - هنگام طلب نصرت و پیروزی:
۴۹	۲ - هنگام روگردان شدن دشمنان و رویگردانی از آن ها:
۵۱	۳ - هنگام استقبال از قضای الهی:
۵۲	۴ - در تثبیت و دوام ایمان:
۵۲	۵ - در امر دین و دنیا:
۵۲	۶ - در هر گفتار و کردار
۵۲	۷ - برای رفع نیازها
۵۳	۸ - توکل در همه امور لازم است
۵۳	۹ - در تمام حالات باید توکل کرد
۵۳	ارتباط «توکل» با «تفویض»، «تسلیم»، «تقه»، «رضا»
۵۶	منابع
۶۰	درباره مرکز

توکل : بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهمنی، اصغر، 1346 -

عنوان و نام پدیدآور : توکل : بیایید به خدای خود اعتماد کنیم! / اصغر بهمنی

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1381.

مشخصات ظاهری : ص 48

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : توکل (اسلام)

موضوع : ایمان (اسلام)

موضوع : توکل

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP225/2/ن2ف7 1381

رده بندی دیویی : 297/464

ص : 1

اشاره

پیشگفتار... 5

تعریف توکل... 7

تعریف توکل از نظر لغوی... 7

تعریف توکل در اصطلاح دانشمندان اسلامی... 8

جمع بندی واژه توکل در قرآن... 10

توکل تنها باید به خداوند باشد... 13

اهمیت و ویژگی توکل بر خداوند... 15

وجوب و ضرورت توکل... 17

چه کسانی امر و توصیه به توکل کرده اند؟... 19

متوکلان (توکل کنندگان)... 20

درجات توکل... 21

توجه به تلاش ها و اسباب در راستای توکل... 24

آثار و نتایج توکل... 29

1 - محفوظ بودن از شر دشمنان... 29

2 - برخورداری از نصرت الهی و پیروزی در برابر جباران... 30

3 - برخورداری از نعمت و فضل الهی... 31

4 - زمینه ساز دعا و نیایش... 32

5 - ظهور ایمان... 32

6 - رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی... 33

7 - دور ماندن از وسوسه های شیاطین: ... 35

8 - جلب مهر و محبت الهی: ... 36

9 - برخورداری از کفایت الهی: ... 37

زمینه های توکل ... 40

مواضع توکل ... 42

1 - هنگام طلب نصرت و پیروزی: ... 42

2 - هنگام روگردان شدن دشمنان و رویگردانی از آن ها: ... 43

3 - هنگام استقبال از قضای الهی: ... 45

4 - در تثبیت و دوام ایمان: ... 46

5 - در امر دین و دنیا: ... 46

6 - در هر گفتار و کردار: ... 46

7 - برای رفع نیازها: ... 46

8 - توکل در همه امور لازم است: ... 47

9 - در تمام حالات باید توکل کرد: ... 47

ارتباط «توکل» با «تقویض»، «تسلیم»، «ثقه»، «رضا»: ... 47

منابع ... 50

ص: 4

همانگونه که انسان، فطرًا تا به دنبال پرستش معبود بی همتاست، در دل دادگی و تکیه خواهی نیز خواهان ستون محکم و مطمئن است.

با تأسف، همانطور که در پرستش، بسیاری از انسان ها راه به خطا برده اند، در سر سپاری و اعتماد نیز به کج راهه های لغزنده کشیده شده اند.

بدون شک، ضعف ایمان به خداوند قادر و بی همتا مهمترین دلیل در سستی توکل است.

نوشته حاضر که توکل را با رویکردی قرآنی مورد توجه قرار داده بر آن است تا ابعاد علمی این بحث را به طور اختصار تبیین نماید. امید است که مورد توجه و استفاده محققان قرار گیرد.

انشاء الله

اصغر بهمنی / پاییز 1387

ص: 5

تعریف توکل

تعریف توکل از نظر لغوی

«توکل» از وکالة است (1) و به دو صورت بیان می شود:

1 - توکلُ له: به معنای ولایت پذیری است. (ولایت او را پذیرفتم).

2 - توکلُ علیه: به معنای اعتماد کردن به دیگران است. (2) (به او اعتماد دارم).

آنچه مورد نظر ما در این نوشته است و عموم مردم به آن توجه دارند معنای دوم است که در تعابیر اهل علم به مفاهیم دیگری نیز تبیین شده است مانند:

قبول وکالت (3) و تفویض کارها به دیگران (4)

ص: 7

1-1 - احیاء علوم الدین، ج 5، ص 183.

2-2 - مفردات الفاظ القرآن، ص 882.

3-3 - التحقیق فی کلمات القرآن، ج 13، ص 192.

4-4 - موسوعة مصطلحات...، ص 238.

همچنین «توکیل» که هم خانواده «توکل» است از نظر علامه طباطبائی به معنای اعتماد - بر دیگران -

است. (1) راغب، توکیل را به معنای نایب گرفتن غیر، معنا کرده (2) و در مجمع البیان آن را تفویض کارها به غیر (3) آورده است.

«وکیل» از دیگر لغات هم خانواده توکل است که به معنای «موکول» آمده است، (4) بنابراین وکیل کسی است که موکل، کارش را به او واگذار کرده (5) و به نیابت از او تدبیر می کند. (6)

تعریف توکل در اصطلاح دانشمندان اسلامی

در دیدگاه دانشمندان اسلامی تعاریف متعددی به چشم می خورد:

ملا مهدی نراقی می نویسد:

«توکل یعنی اعتماد بر خداوند و سپردن همه کارها به او.» (7)

ص: 8

1-1 - میزان، ج 7 و 8، ص 255.

2-2 - مفردات الفاظ القرآن، ص 882.

3-3 - مجمع البیان، ج ذیل سجده 12.

4-4 - محجة البیضاء، ج 7، ص 405.

5-5 - لسان العرب، ج 15، ص 387.

6-6 - میزان، ج 3 و 4، ص 65.

7-7 - جامع السعادات، ج 3، ص 220.

طبرسی می گوید:

«توکل یعنی رضایت به تدبیر خدا همراه با واگذاری کارها به او و تمسک کردن به طاعتش.»⁽¹⁾

در اثر دیگری، تعریف دقیق تری ارائه شده است تا

آنجا که می نویسد:

«توکل، اعتماد قلب است بر خدا با عدم اضطراب به هنگام نبود اسباب.»⁽²⁾

در جای دیگری از این اثر تعریف دیگری آمده است:

«توکل، اعتماد قلبی بر خداوند است در آنچه دوست دارد یا بدش آید و در آنچه امید دارد و آنچه می ترسد. اعتماد نمی کند بر سببی مگر خداوند.»⁽³⁾

معراج السعادة آورده است:

«توکل یعنی اعتماد کردن و مطمئن بودن دل بنده خدا در تمام کارهایش به خداوند و اینکه بیزار شود از هر حول و قوه ای و فقط تکیه کند بر حول و قوه الهی.»⁽⁴⁾

ص: 9

1-8 - مجمع البیان، ج 5، ص 287.

2-1 - موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی، ص 237.

3-2 - همان، ص 243.

4-3 - معراج السعادة، ص 697.

در کتاب «فتح القدیر» توکل را واگذاری تمامی افعال و گفتار به خداوند بیان کرده است. (1)

مرحوم علامه طباطبائی در این خصوص می فرماید:

«توکل عبارت است از اینکه انسان زمام امور خود را به دست غیر خود (خدا) دهد و تسلیم او شود که هر چه صلاح دید و هر چه کرد همان را صلاح خود بداند و این خود اخص آثار عبودیت است.» (2)

جمع بندی واژه توکل در قرآن

دوازده واژه از کلمه «توکل» مشتق شده اند که هفتاد آیه قرآن را به خود اختصاص داده اند:

تَوَكَّلْتُ: هفت بار

تَوَكَّلْنَا: چهار بار

تَتَوَكَّلُ: یک بار

يَتَوَكَّلُ: دوازده بار

يَتَوَكَّلُونَ: پنج بار

تَوَكَّلْ: نه بار

تَوَكَّلُوا: دویار

ص: 10

1-4 - فتح القدیر، ج 3، ص 164.

2-5 - المیزان، ج 13 و 14، ص 344.

وَكَيْلٌ: بیست و چهار بار

مُتَوَكِّلُونَ: سه بار

مُتَوَكِّلِينَ: یک بار

وَكَلْنَا: یک بار

وُكِّلَ: یک بار

در آیاتی که واژه «وکیل» دارند، بیست و چهار بار از خداوند به عنوان وکیل یاد شده است.

در آیات یاد شده یازده بار امر به توکل شده است که به صورت صیغه مفرد یعنی «تَوَكَّلْ» نه بار و به صورت صیغه جمع یعنی «تَوَكَّلُوا» دو بار تکرار شده است.

از آنجا که توکل باید بر خداوند باشد، نام خدا در مشتقات توکل، 34 بار با لفظ جلاله «اللَّهِ» (1) و نه بار به

صورت ضمیر برگشت داده شده به آن (2) و پنج بار با لغت «رَبِّ» (3) و پنج بار به صورت ضمیر برگشت داده شده به آن آورده شده است. (4)

همچنین در سه آیه، اشاره به سه صفت خداوند شده است که از این قرار است:

ص: 11

1-1 - مانند: فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، (آل عمران: 159).

1-2 - مانند: وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، (هود: 88).

2-3 - مانند: الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، (نحل: 42).

3-4 - مانند: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا، (مزمّل: 9).

رحمن: «قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا (ملک: 29)».

- بگو او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده و براو توکل کرده ایم.

حی: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ (فرقان: 58)».

- و توکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد.

عزیز: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (شعراء: 217)».

- و بر خداوند عزیز و حکیم توکل کن.

در قرآن به «توکل کنندگان» هم اشاره شده که عبارتند از: پیامبر اسلام (نساء: 81 و...)- حضرت نوح (یونس: 71) - حضرت هود

(هود: 56) - حضرت شعیب (هود: 88) - حضرت یعقوب (یوسف: 67) - قوم موسی (یونس: 85) - پیامبر اسلام و اصحابش (ملک:

29) - حضرت ابراهیم و اصحابش (ممتحنه: 4)

- حضرت شعیب و اصحابش (اعراف: 89) - انبوه پیامبران (ابراهیم: 12) - مهاجران در راه خدا (نحل: 42) و به طور کلی مؤمنان (آل

عمران: 122 و...)

در قرآن این نکته را ضروری دانسته است که مبلغان الهی و بلکه همگان باید به خدا توکل کنند. [\(1\)](#)

ص: 12

1-1 - تفسیر راهنما، ج 7، ص 359؛ و ج 3، ص 489.

توکل تنها باید به خداوند باشد

قبل از پرداختن به این مسئله باید ببینیم، چرا به غیر خدا نمی توان توکل و اعتماد داشت؟

بدون شک از دیدگاه یک انسان مؤمن و عاقل، غیر از خدا کسی یا چیزی نمی تواند مورد اعتماد باشد و کفایت لازم را برای این منظور ندارند چرا که بنابه فرموده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مخلوق نمی تواند شایسته توکل بر او باشد به دلیل اینکه نفع و زیان و عطا و منعی را در اختیار ندارد. (1)

با این حال از آیات 18 و 67 سوره یوسف، شایستگی خداوند برای توکل کردن بر او، قابل استنباط است (2) حصر توکل بر خداوند متعال را می توان از تقدیم «الله» در آیه: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (مائده: 23)» به دست آورد. (3) از نظر اعتقادی نیز باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی، موجب توکل

می شود. (4)

علی علیه السلام جایگاه خدا و غیر خدا را در مسئله توکل این گونه در کلام آورده است:

ص: 13

1-2 - همان، ج 8، ص 488.

2-3 - همان، ص 346 و 488.

3-4 - همان، ج 4، ص 319.

4-1 - همان، ج 8، ص 488.

«من روی تافته از همگان و بازگشته به خدا، به او توکل می کنم.» (1)

اما این که چرا برخی به غیر خدا تکیه می کنند و از اعتماد و توکل بر خدا روی گردان هستند می تواند ریشه در ضعف یقین یا ضعف نفس و یا ضعف هر دو داشته باشد. (2)

قرآن نیز در آیات 193 اعراف و 17 عنکبوت، روی گردانی از خدا و روی آوردن به غیر خداوند را نکوهش کرده است. (3)

همچنین آیه: «أَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا (اسراء:2)» در خطاب به بنی اسرائیل، ایشان را از شرک به خدا و این که چیزی غیر او را وکیل بگیرند، زنهار داده است. (4)

با این حال، کمک گرفتن از دیگران در صورتی که اعتماد قلبی به آن ها وجود نداشته باشد و یا به اعتقاد زمخشری، چنین کمکی انسان را به گناه نکشانند، جایز خواهد بود. (5)

خوب است در این جا به این نکته نیز اشاره کنیم که

ص: 14

1-2 - فرهنگ آفتاب، ص 1716.

2-3 - جامع السعادات، ص 219.

3-4 - احیاء علوم الدین، ج 5، ص 155.

4-5 - المیزان، 13 و 14 ص 36.

5-6 - الکشاف، ج 3، ص 341.

خداوند که «وکیل» همگان است در برخی از امور، وکیل گرفته است. طبرسی ذیل آیه: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ (سجده: 12)» که اشاره به قبض ارواح توسط ملک الموت دارد، پس از تعریف «توکیل» در تفسیر این آیه می نویسد: «به ملک الموت برای قبض ارواح، وکالت داده شده است».⁽¹⁾

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَأَنَّهَا قَدَّ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (انعام: 89)» که سخن از تهدید مشرکان به جایگزین شدن گروهی دیگر که کفر نخواهند ورزید، به میان آورده است، به این نتیجه می رسد که خداوند کسانی را که مورد اعتماد او هستند بر حفظ دین از جانب خود موکل «وکیل» می کند و آن ها معصومین علیهم السلام - انبیاء و اوصیای آن ها - هستند و در دایره وسیع تر، مؤمنان پارسا می باشند.⁽²⁾

اهمیت و ویژگی توکل بر خداوند

توکل در مقام علمی، پیچیده و در بعد عملی، عمل کردن به آن دشوار است.⁽³⁾

در معانی الاخبار روایتی را نقل کرده که بر اساس آن،

ص: 15

1-1 - مجمع البیان، ج 5، ص 287.

2-2 - المیزان، ج 7 و 8، ص 255.

3-3 - محجة البیضاء، ج 7، ص 377.

«توکل» برتر از «زهد و اخلاص» است. (1)

در اهمیت توکل همین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را بهترین عمل، بهترین ستون و در برگیرنده (حصار) حکمت دانسته است (2) و در حدیثی هم توکل از ارکان ایمان برشمرده شده است. (3)

مدارج السالکین می نویسد «توکل» نصف دین است که همان «استعانة» می باشد و نصف دیگر دین «انابة» است که همان «عبادت» می باشد. (4)

خواجه عبدالله انصاری هم عقیده دارد، توکل، محل اخلاص، نشانه یقین و ثمره توحید است. (5) در جای دیگر، توکل را به عنوان شکر نعمت های خداوند و سپاسگزاری از امدادهای او قلمداد کرده است؟ (6)

بر اساس آیه 42 سوره نحل می توان چنین برداشت کرد که صبر، نیاز موقت و توکل نیاز دائمی برای مسلمانان است. (7)

ص: 16

1-4 - معانی الاخبار، ص 238.

2-1 - معجم الفاظ غرر الحکم، ج 1، ص 1217.

3-2 - بحار الانوار، ج 68، ص 135.

4-3 - مدارج السالکین، ج 2، ص 118.

5-4 - کشف الاسرار، ج 2، ص 596، ج 5، ص 245.

6-5 - همان، ج 4، ص 27.

7-6 - تفسیر راهنما، ج 9، ص 399.

وجوب و ضرورت توکل

بر اساس آیه نورانی:

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ... (توبه: 129)».

- (ای رسول ما) اگر (مؤمنان و غیر آن ها) از حق روی

برگردانند - نگران نباش - بگو: خداوند مرا کفایت می کند... بر او توکل کردم...

چنین برداشت می شود که مبلغان رسالات الهی لازم است بر خداوند توکل کنند. (1)

بعضی نیز «وجوب توکل» را بر مؤمنان از آیه:

«وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (مائده: 23)».

- و بر خداوند باید توکل کنید اگر مؤمن هستید.

استنباط کرده اند. (2)

علامه مجلسی نیز ذیل آیه سوم سوره طلاق: «لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» - برای هر چیزی اندازه ای است.

می فرماید: این آیه وجوب توکل را بیان می کند. (3) چنین برداشتی می تواند به این خاطر باشد که خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرارداد که تغییرناپذیر است و

ص: 17

1-1 - همان، ج 7، ص 359.

2-2 - معراج السعادة، ص 698.

3-3 - بحار الانوار، ج 68، ص 122.

لذا بندگان باید به آن اندازه معین شده اکتفا کرده و بدون هراس از عواقب آن، توکل را پیشه خود سازند.

المیزان نیز ذیل آیات شریفه: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (ابراهیم: 11) و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند. «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا» (ابراهیم: 12) - و چرا بر خدا توکل نکنیم با این که ما را به راههای (سعادت) رهبری کرده است. می نویسد:

«دو حجت و دلیل بر وجوب توکل هست:

1 - داشتن ایمان که توکل راهم واجب می کند.

2 - داشتن هدایت الهی که آنهم واجب کننده توکل است. (1)»

برخی نیز توکل را هم «واجب» و هم «فضیلت» برای انسان برشمرده اند. (2)

«تبیان» ذیل آیه 160 سوره آل عمران معتقد به وجوب توکل شده است (3) و تفسیر «جدید» ضمن چنین برداشتی از آیه مذکور این گونه علت می آورد: «(اگر توکل واجب نباشد) خداوند انسان را به خود وامی گذارد تا نابود شود.» (4)

ص: 18

1-1 - المیزان، ج 11 و 12، ص 33.

2-2 - موسوعة مصطلحان التصوف، ص 236.

3-3 - التبیان، ج 2، ص 32.

4-4 - الجديد، ج 2، ص 174.

چه کسانی امر و توصیه به توکل کرده اند؟

توکل نیز همانند بسیاری از رفتارها و گفتارها و عقاید مثبت، نیاز به توجه و سوق دهی دارد.

در درجه نخست این خداوند است که بندگانش را به توکل بر ذاتش فرا می خواند:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران: 159).»

- (ای پیامبر ما) پس از آنکه عزم خود را بر کاری جزم کردی پس بر خدا توکل کن (و آن را انجام بده).

پس از خداوند متعال، این انبوه پیامبران اند که قوم خود را به توکل بر خداوند فرا می خوانند. قرآن از زبان

پیامبران می فرماید:

«وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (ابراهیم: 11).»

- مؤمنان باید بر خدا توکل کنند.

اوصیای الهی نیز چنین توصیه هایی را داشته اند چنانکه امام کاظم علیه السلام پس از توضیحاتی پیرامون توکل، می فرماید: پس بر خدا توکل کنید با واگذاری کارها به او و به او اطمینان کنید. (1)

همچنین از آیه 23 سوره مائده بر می آید که

ص: 19

1-1 - چهل حدیث، ص 213.

بهره مندان از نعمت الهی نیز مردم را به داشتن توکل امر کرده اند:

«فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (مائده: 23).

- توکل کنید اگر ایمان دارید.

متوکلان (توکل کنندگان)

الف) متوکلان چه کسانی هستند؟

برخی دایره توکل کنندگان را از انسان فراتر دانسته و معتقد شده اند: «همه توکل دارند از مؤمن و کافر و حیوان؛ اما متعلق توکل آن ها متفاوت است تا آن جا که اولیاء الهی بر ایمان و نصرت دین الهی بر خدا توکل می کنند و دیگران بر استقامت نفس و ثبات قدم توکل می کنند و برخی بر رزق و سلامتی بدن و گروهی هم برای گناه کردن و انجام فواحش بر خدا توکل دارند و چه بسا افراد گناهکار در توکلشان قوی تر از اهل

طاعت اند.»⁽¹⁾

فیروز آبادی نیز مطالب فوق را پسندیده و در کتابش به توضیح پرداخته است.⁽²⁾

ص: 20

1-1 - مدارج السالکین، ج 2، ص 118.

2-2 - بصائر ذوی التمییز، ص 315 و 316.

ب) صفات متوکلان؛

روی هم این صفات و ویژگی ها را می توان به توکل کنندگان نسبت داد:

- 1 - به قضاء الهی راضی و در برابر حکم او تسلیم هستند. (1)
- 2 - کارهایشان فقط برای خداست. (2)
- 3 - فقط بر ذات اقدس الهی طمع دارند و تنها از او می ترسند. (3)
- 4 - آن ها به وکیل خود (خداوند) اطمینان کامل دارند لذا او را متهم به کوتاهی یا ناتوانی نمی کنند؟ (4)
- 5 - صبر و تقوا از مشخصه های آن هاست. (5)

درجات توکل

مرحوم نراقی توکل کنندگان را در سه رتبه درجه بندی کرده است:

« 1 - توکل کنندگانی که اطمینانشان به خدا مانند

ص: 21

1-3 - جامع البیان، ج 3، ص 204.

2-4 - معانی الاخبار، ص 133.

3-5 - همان.

4-6 - محجة البیضاء، ج 7، ص 405؛ احیاء علوم الدین، ج 5، ص 183.

5-7 - تفسیر راهنما، ج 3، ص 183.

اطمینانشان به بندگان است که وکالت او را می پذیرند لذا در کنار وکیل خویش، خودشان هم در تلاش هستند.

2 - توکل کنندگانی که اطمینانشان به خدا مانند اطمینان طفل به مادر است که جز او را نشناسد و تمام اسباب را مردود می داند مگر گریختن به دامان مادر را.

3 - توکل کنندگانی که خود را نزد خدا مانند مرده ای می دانند نزد غسال که از خود هیچ حرکتی ندارند و هر چه هست قدرت اوست.

اینان از سعی و تدبیر، بیزارند و چه بسا دعا را هم ترک می کنند همچون حضرت ابراهیم در آتش»⁽¹⁾

ابو حامد غزالی نیز دقیقاً به شرح درجات فوق پرداخته است.⁽²⁾

در روض الجنان به نقل از ابوعلی رودباری می نویسد:

«متوکلان بر سه رتبه قرار گرفته اند:

1 - گروهی که چون بدهندگان شکر می کنند و اگر ندهندگان صبر پیشه می سازند.

2 - آنان که عطایشان کنند یا نکنند برایشان مساوی است.

ص: 22

1-1 - معراج السعادة، ص 704.

2-2 - احیاء علوم الدین، ج 5، ص 185 و 186.

3- دسته ای چون عطایشان کنند شکر می کنند و براین باورند که صلاحشان همین است.»⁽¹⁾

«بصائر» در این خصوص می نویسد:

«با فضیلت ترین توکل ها مربوط به انبیاء و وارثان ایشان است که در پی اقامه دین و دفع مفسد از دین بودند. بعد از آنان، مردم قرار دارند که با اغراض مادی به خدا توکل می کنند ولکن اینان بر دو گروه هستند: گروهی که محبوب خدا هستند و از آنچه به آنها رسیده است، (با دیده) خیر می بینند و عده ای که مبغوض خدا هستند و از آنچه به آنها نایل شده (با دیده) ضرر می بینند.»⁽²⁾

«کشف الاسرار» متوکلان را در دو رتبه درجه بندی کرده است:

1- توکل عام:

متوکلان در این درجه از توکل، تنها مسبب الاسباب (خداوند) را می بینند نه اسباب را. البته اینان می توانند اسباب را هم ببینند اما مانند در آن را خطا می دانند.

2- توکل خواص:

در این جا، دیگران به او کار می سپرند و او کارها را

ص: 23

1-3 - روض الجنان، ج 5، ص 128.

2-1 - بصائر ذوی التمییز، ص 316.

به خدا می سپارد. (1)

«علامه مجلسی» از دیدگاه دیگری به تبیین درجات متوکلان پرداخته است.

ایشان می گوید: «یک درجه از توکل آن است که همه

کارهایت را به خدا واگذار کنی و درجه دیگر و پایین آن است که تنها برخی از امور را به خداوند بسپری.» (2)

اما این که میزان توکل در متوکلان بر چه پایه ای استوار است، نکته ظریفی است که بیان آن خالی از لطف نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «میزان توکل به خدا بر اساس میزان اطمینان انسان به خدا می باشد.» (3)

از اثر دیگر این گونه برداشت کرده ایم که میزان توکل به قدر تعمیق توحید نزد متوکل است. (4)

توجه به تلاش ها و اسباب در راستای توکل

تلاش انسان و آماده سازی آلات و ادوات برای رسیدن به هدفی که در پیش دارد تا چه اندازه می تواند با مقام توکل در تضاد باشد؟

ص: 24

1-2 - کشف الاسرار، ج 5، ص 245 و 247.

2-1 - بحار الانوار، ج 68، ص 131.

3-2 - معجم الفاظ، غرر الحکم و درر الکلم، ص 1217.

4-3 - مدارج السالکین، ج 2، ص 125.

آیا توکل با توجه کردن به تلاش ها و اسباب منافات دارد؟

توجه به اسباب مسئله ای است که مورد توجه حضرات معصومین علیه السلام هم بوده است چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِعْقِلْ رَاحِلَتَكَ وَ تَوَكَّلْ»⁽¹⁾

- مرکب خود را ببند آن گاه توکل کن.

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«توکل، همراه دعا و تلاش است.»⁽²⁾

علامه مجلسی ضمن نقل روایات می نویسد:

«اصولاً تلاش و روی آوردن به اسباب بدون آنکه در چنگال «حرص» گرفتار شویم، طبق آیین شریعت، لازم شمرده شده است اما نباید به آن ها اعتماد کرد بلکه تنها دلبستگی ما باید به مسبب الاسباب (خداوند) باشد.»⁽³⁾

به طور کلی به کارگیری اسباب و تلاش به منظور جلب منفعت یا دوام آن و یا دفع ضرر و یا قطع آن می باشد که ترک آن ها حرام می باشد و⁽⁴⁾ توجه به آن ها

ص: 25

1-4 - بحار الانوار، ج 68، ص 138.

2-1 - فرهنگ آفتاب، ص 1716.

3-2 - بحار الانوار، ج 61، ص 127 (با تصرف).

4-3 - محجة البيضاء، ج 7، ص 413؛ جامع السعادات، ص 228 احیاء علوم الدین، ج 5، ص 192.

به شرط آن که مشروع باشند مورد تأکید هستند. (1)

در میان اسبابی که برای رسیدن به هدف مورد توجه قرار می گیرند اسباب موهوم (مانند فال بینی و سحر و جادو) به چشم می خورند که روی آوردن به این اسباب، خلاف توکل بوده و باید از آن ها دوری کرد. (2)

در کنار اسباب طبیعی برای رسیدن به مقصود، اسباب

روحي و روانی هم لازم است که خود توکل نمونه ای از این اسباب روانی است تا جایی که از توکل به عنوان وسیله ای کارساز برای رفع مشکلات یاد شده است. (3)

اما این جا مطلب مهمی است که علامه طباطبائی به آن اشاره کرده است:

«خداوند، خود «مسبب الاسباب» است. او سببی است فوق همه اسباب که دیگر سبب ها به او منتهی می گردند. مؤمن بواسطه ایمانش به اسباب ظاهری اعتماد نمی کند چرا که این کار جهل محض است» (4) «و شخص موحد از تمام اسباب ظاهری منقطع است چرا

ص: 26

1-4 - المنیر، ج 2، ص 141؛ الکاشف، ج 2، ص 187.

2-5 - محجة البیضاء، ج 7، ص 419؛ جامع السعادات، ص 228. (برگرفته).

3-1 - تفسیر راهنما، ج 3، ص 489؛ مدارج السالکین، ج 2، ص 124.

4-2 - المیزان، ج 9 و 10، ص 113.

که او خدا را یگانه سبب شکست ناپذیر دانسته است.»⁽¹⁾

«نمونه ای از هم آغوشی «توکل و سبب خواهی» را می توانیم در جریان سفر برادران یوسف به مصر، پی جویی نماییم. حضرت یعقوب از برادران یوسف علیه السلام می خواهد که برای عدم جلب توجه مردم، از یک در وارد نشوند (تا به اصطلاح ما هدف چشم زخم قرار نگیرند) اما آن حضرت بلافاصله اذعان می دارد که چنین تلاشی نمی تواند از حادثه حتمی که خدا حکم کرده جلوگیری نماید و سپس مسئله توکل را پیش کشیده می گوید:

«به خدا توکل کرده ام (در جریان این سفر و حوادث آینده آن) این جریان نشانگر این حقیقت است که در تعالیم یعقوب علیه السلام منافاتی میان توکل و تدارک اسباب وجود ندارد و اصولاً توکل بر خدا نباید موجب نادیده گرفتن اسباب و علل طبیعی شود.»⁽²⁾ اما بدون شک، قلب انسان بایستی از تعلق به آن ها خالی باشد.

شر باصی در مورد توکل و اسباب می نویسد:

«نگاه متوکل حقیقی به اسباب به خاطر خضوع

ص: 27

1-3 - همان، ج 17 و 18، ص 25.

2-1 - تفسیر راهنما، ج 8، ص 487، ذیل یوسف / 67.

در برابر سنت الهی است وگرنه می داند که مخلوق همانند او عاجز است لکن از طرف خدا این مخلوق، سبب قرار گرفته است.»(1)

سید قطب نیز در این مورد چنین آورده است:

«توکل مانع از توجه به اسباب نیست بلکه روی آوردن به اسباب از روی اطاعت خداست و لذا برای او عبادت محسوب می شود و به ثواب آن نایل می گردد.»(2)

برخی نیز با توجه به درجات توکل به این نتیجه رسیده اند که در پایین ترین درجه توکل، اسباب (ظاهری) را می توان طلب نمود و در حالت میانه از توکل، می توان به اسباب و تدبیر در حد دعا و فرغ روی آورد اما در بالاترین درجه از توکل اسباب و تدبیر (و

حتی دعا)(3) جایز نمی باشد.(4)

آنچه در حد فهم ما می باشد این است که بدانیم، «توکل» حال پیامبر صلی الله علیه و آله و کسب و تلاش، عمل آن حضرت بوده و هر دو نباید ترک شود.(5)

ص: 28

1-2 - موسوعة اخلاق القرآن، ج 1 و 2، ص 216.

2-3 - فی ظلال القرآن، ج 7، ص 1476.

3-1 - معراج السعادة، ص 704.

4-2 - احیاء علوم الدین، ج 5، ص 187.

5-3 - کشف الاسرار، ج 7، ص 56.

توکل بر خداوند با توجه به درجاتی که بندگان بر اساس توکل به دست می آورند دارای آثار فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی است که ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

1 - محفوظ بودن از شر دشمنان:

بر اساس آیه:

«فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَانْتَقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (مائده: 11)».

- و خدا دست ستم آن ها را از شما کوتاه کرد پس از خدا بترسید و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکل کنند.

توکل، خنثی کننده توطئه های دشمنان است. (1)

چنانچه برخی روایات نیز به این نکته اشاره دارند. (2)

از آنجا که توکل، بر قدرتی شکست ناپذیر صورت

می گیرد می توان به این نتیجه رسید که به طور کلی در زندگی اجتماعی، انسان را از شر بدخواهان محفوظ می دارد که این حقیقت را می توان از آیه:

ص: 29

1-4 - تفسیر راهنما، ج 4، ص 276.

2-5 - ر. ک: بحار الانوار، ج 68، ص 108.

«وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ شعراء: 217».

- بر خداوند شکست ناپذیر بخشنده توکل کن - آموخت. (1)

2 - برخورداری از نصرت الهی و پیروزی در برابر جباران:

از آیه «122 سوره آل عمران» چنین استنباط می‌گردد که پیروزی مسلمانان در یکی از جنگ‌ها نتیجه توکل آن‌ها بر خدا بوده است. این آیه حال گروهی را بیان می‌کند که ابتدا تصمیم داشتند به جنگ نروند اما از تصمیم خود منصرف شده و بر خدا توکل کردند و در نهایت از نصرت الهی برخوردار گردیدند و در پی آن، پیروزی را در آغوش کشیدند. (2)

در تفاسیر مختلفی ذیل آیه «160 سوره آل عمران» به این نکته اشاره شده است که نصرت در پی توکل بر خداوند حاصل می‌شود و دوری از توکل، خذلان را به دنبال دارد. (3)

در روایتی نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: هر کس توکل کند یاری خدا را از دست نمی‌دهد. (4)

ص: 30

1-1 - الکشاف، ج 3، ص 341.

2-2 - تفسیر راهنما، ج 3، ص 46 و 148.

3-3 - اطیب الطیبان، ج 3، ص 411؛ الجواهر الثمین، ج 1، ص 392؛ الکشاف، ج 2، ص 187؛ تفسیر گازر، ج 2، ص 374.

4-1 - معجم الفاظ غرر الحکم، ص 1217.

بیان این نکته لازم است که، نصرتی که در پی توکل حاصل می شود گاه در میدان نبرد نظامی است و گاه در بیان حجت و دلیل در احتجاج با مخالف (1) و این همان نصرت حقیقی است. (2)

3 - برخورداری از نعمت و فضل الهی:

مسلمانان پس از جنگ احد با برخورداری از نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند که آیه:

«فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ (آل عمران: 174)»

- پس آن ها (از میدان نبرد) با نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند. (3)

گواه آن است اما چنین رخدادی نتیجه توکلی بود که بر خداوند داشتند و این حقیقت را از آیه قبل می فهمیم که می فرماید:

«وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: 173)».

- و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.

همچنین می توان از آیه 59 سوره توبه به چنین برداشتی رسید. (4)

ص: 31

1-2 - تفسیر گازر، ج 2، ص 374؛ تفسیر اثنی عشر، ج 2، ص 288.

2-3 - من هدی القرآن، ج 1، ص 691.

3-4 - تفسیر راهنما، ج 3، ص 186.

4-5 - همان، ج 7، ص 149.

4 - زمینه ساز دعا و نیایش:

از آن جا که توکل، ایجاد رابطه ای خصوصی با پروردگار است، انسان را به نیایش و درخواست نیاز از درگاهش فرا می خواند چنانکه حضرت شعیب پس از توکل بر خدا دست به دعا بر می دارد:

«عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (اعراف: 89).»

- تنها بر خدا توکل کرده ایم، پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. (1)

همچنین آیات «85 و 86 سوره یونس» گواه این مطلب است که قوم موسی پس از توکل بر خداوند، دست به دعا بلند کرده و دو چیز را از خداوند می خواستند:

1 - خدایا لباس ذلت را از ما دور کن؛

2 - ما را از قوم ستمکار نجات بخش؛ (2)

5 - ظهور ایمان:

در آیات متعدد قرآنی همچون:

«وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (ابراهیم: 11).»

ص: 32

1-1 - همان، ج 6، ص 131.

2-2 - المیزان، ج 9 و 10، ص 114.

- که مؤمنان را توکل کنندگان بر خدا معرفی می کند.

به این حقیقت می رسیم که با توکل، ایمان ظاهر

می شود (1) و چنانکه در «روح المعانی» آمده است، شرط ایمان، توکل است. (2) «مدارج السالکین» هم این مطلب را از آیات 23 سوره مائده و 51 سوره توبه به دست آورده است. (3)

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «متوکلان، قوی ترین مردم هستند از نظر ایمان.» (4) و در صورتی که شدت ایمان را، تقوا به حساب آوریم، طبق نقل معصومین علیهم السلام، توکل انسان را در صف متقین قرار می دهد. (5)

6 - رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی:

کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و می کنند از نظر قرآن به پاداش های دنیوی و اخروی خواهند رسید. آیه 41 سوره نحل سخن از چنین امتیازی برای مهاجران فی سبیل الله به میان آورده و در آیه بعد چنین سعادت را

ص: 33

1-1 - همان، ج 11 و 12، ص 33.

2-2 - روح المعانی، ج 15، ص 185.

3-3 - مدارج السالکین، ج 2، ص 134.

4-4 - معجم الفاظ غرر، ص 1217.

5-5 - بحار الانوار، ج 68، ص 138.

به خاطر صبر و توکل آن ها دانسته است آن جا که می فرماید:

«الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (نحل: 42)» (1)

- (چنین سعادت برای کسانی است که صبر پیشه کرده و بر خدا توکل می کنند.

اهمیت این دو صفت تا آن جا است که در آیه 12 سوره ابراهیم از توکل و صبر به عنوان دو ابزار لازم برای ابلاغ رسالت الهی که از بزرگترین سعادت ها در دنیا و آخرت برای یک انسان است یاد شده است. (2)

و روایات نیز، توکل کنندگان را کسانی معرفی می کند که بدون حساب وارد بهشت می شوند. (3)

از سعادت های دنیوی یک انسان این است که حیاتی سراسر عزت و حکمت و تدبیر داشته باشد و این افتخار بنابر آیه:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهََ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: 49)».

- هر کس بر خدا توکل کند (خدا او را یاری می کند چرا که) خداوند قدرتمند حکیم است.

نصیب کسانی می شود که بر خدا توکل داشته باشند. (4)

ص: 34

1-6 - تفسیر راهنما، ج 9، ص 398.

2-1 - همان، ص 51.

3-2 - کنز العمال، ج 3، ص 100.

4-3 - صلة الانسان بالله، ص 116؛ موسوعة اخلاق القرآن، ج 1 و 2، ص 221؛ احیاء علوم الدین، ج 5، ص 155.

بنابراین اساس تمام کارهای توکل کنندگان، به شکل حکیمانه ای توسط خداوند، سرو سامان بخشیده می شود. (1)

7 - دور ماندن از وسوسه های شیاطین:

آیه 99 سوره نحل صراحت دارد که شیاطین بر مؤمنان و توکل کنندگان سلطه و حاکمیت ندارند:

«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»

- شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد.

برخی از تفاسیر ذیل این آیه نوشته اند: «این آیه گواه آن است که توکل بر خدا شیطان را از وسوسه و تسلط بر آن ها باز می دارد و اگر هم وسوسه کند در آن ها اثر نخواهد داشت.» (2)

در روایتی هم که از امام صادق علیه السلام نقل شده است سخن از توانایی تسلط شیطان بر بدن انسان مؤمن به

ص: 35

1-4 - تفسیر راهنما، ج 6، ص 518.

2-1 - تفسیر گازر، ج 5، ص 198؛ تفسیر راهنما، ج 9، ص 529؛ فتح القدير، ج 3، ص 164.

میان آمده بدون آنکه بتواند بر دین و ولایت پذیری او حاکمیتی داشته باشد. (1)

البته «ابلیس» هم خود اعتراف کرده است که حيله اش در متوکلان راه ندارد. (2)

برخی نیز ذیل آیه مذکور معتقد شده اند که متوکلان از وسوسه های شیطان و هوای نفس پیروی نمی کنند. (3)

واضح است که این مطلب متفاوت از آن است که

بگوییم آن ها از شیطان در امان هستند.

8 - جلب مهر و محبت الهی:

از جمله آثار معنوی و روانی توکل، عبارت است از ایجاد زمینه ای مناسب برای جلب محبت خداوند متعال چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: 159)» (4)

- قطعاً خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

ص: 36

1-2 - تفسیر شریف لاهیجی، ج 2، ص 753؛ کافی، ج 8، ص 288.

2-3 - بحار الانوار، ج 68، ص 136.

3-4 - کشف الحقایق، ج 2، ص 194.

4-1 - بصائر ذوی التمییز، ص 315؛ صلة الانسان بالله، ص 116؛ احیاء علوم الدین، ج 5، ص 166؛ جامع البیان، ج 3، ص 204.

9 - برخورداری از کفایت الهی:

آیات متعددی از قرآن تصریح دارند که خداوند برای توکل کنندگان کافی است از جمله:

«وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلًا» (نساء: 81).⁽¹⁾

- کافی است که خداوند وکیل (تو) باشد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام ذیل آیه:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: 3).⁽²⁾

- کسی که بر خداوند توکل کند، خدا برای او کفایت می کند.

نقل شده است؛ «هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند.»⁽²⁾

اینکه برخی گفته اند بر موکل لازم است که به وکیل

خود اطمینان داشته باشد و او را به ناتوانی و کوتاهی متهم نکند⁽³⁾ اشاره به کفایت وکیل است که وجه اتم و حقیقی آن ذات باری تعالی است.

ص: 37

1-2 - تفسیر راهنما، ج 3، ص 489؛ موسوعة اخلاق القرآن، ج 1 و 2، ص 216.

2-3 - بحار الانوار، ج 68، ص 131؛ کنز العمال، ج 3، ص 103 و...

3-1 - صلة الانسان بالله، ص 111.

در این جا این سؤال مطرح می گردد که چرا فقط خداوند برای توکل کنندگان کافی است؟

ما معتقدیم خداوند، صفات و ویژگی هایی دارد که منحصر به فرد است و بر اساس این ویژگی ها، هر انسان عاقلی باید اعتراف نماید که فقط اوست که کفایت کننده است. این ویژگی ها عبارتند از:

1 - عالم بر همه چیز است. (اعراف: 89)

2 - به همه موجودات بخشنده است. (ملک: 29)

3 - تنها معبود در عالم هستی است. (رعد: 30)

4 - تنها او به حق هدایت می کند. (ابراهیم: 12)

5 - صاحب عزت و حکمت است (انفال: 49)

6 - حیّ مطلق است. (فرقان: 501)

7 - خالق همه چیز است. (زمر: 62)

8 - مالک همه چیز است. (نساء: 171)

9 - توانای بر همه چیز است. (مائده: 17)

10 - مرجع تمام امور است. (هود: 123)

11 - مربی همه موجودات است. (هود: 56)

12 - در همه امور، حکم فقط حکم اوست. (1)

(یوسف: 67)

ص: 38

1-2 - منابع متعددی این صفات را برشمرده اند و برخی این عناوین را تحت «ارکان توکل» بیان کرده اند.

سایر آثار و نتایج توکل از این قرار است:

10 - بوجود آمدن آزادی، شادی و لذت برای نفس آدمی. (1)

11 - مطمئن شدن قلب (2) (محکم شدن دل).

12 - بسته شدن راه طمع و ورزی بر انسان. (3)

13 - حاصل شدن اخلاص برای انسان (4)

14 - رسیدن به مقام رضای الهی. (5) یعنی انسان به تقدیرات الهی رضایت می دهد.

15 - رسیدن به مقام یقین (6)

16 - زدوده شدن غم و اندوه از دل انسان. (7)

17 - شیرین شدن خدمت به مردم و مهر ورزیدن. (8)

آثار توکل از چنان ژرفایی در سازندگی روح و روان آدمی برخوردار است که علامه طباطبایی، آثار توکل را ملحق به معجزات می داند. (9)

ص: 39

1-1 - کشف الاسرار، ج 5، ص 326.

2-2 - معجم الفاظ غرر الحکم، ص 1217.

3-3 - روض الجنان، ج 5، ص 128. (به نقل از ذوالنون مصری)

4-4 - نور الثقلین، ج 5، ص 358.

5-5 - بصائر ذوی التمییز، ص 318.

6-6 - معانی الاخبار، ص 133.

7-7 - معجم الفاظ غرر الحکم، ص 1217.

8-8 - کشف الاسرار، ج 4، ص 326.

9-9 - المیزان، ج 3 و 4، ص 65.

توکل، علاوه بر اینکه دارای نتایج است و در حقیقت زمینه ای است برای بروز و ظهور آثار مختلف؛ خود نیز دارای زمینه هایی است که آن ها در حصول مقام توکل نقش به سزایی ایفا می کنند و به عبارت دیگر، توکل نتیجه آن عوامل است.

این عوامل که شامل یک سری از رفتارها و عقاید ما می باشد از این قرار است:

- 1 - یقین: علی علیه السلام می فرماید: «یقین باعث توکل می شود». (1) همچنین فرموده است: «توکل از نشانه های یقین است». (2)
- 2 - اخلاص: در کتاب «صلة الانسان بالله»، توکل را نتیجه حتمی عقیده به توحید و داشتن اخلاص در عمل دانسته است. (3)
- 3 - توحید ربوبی: انسانی که تنها خدا را فاعل انحصاری بداند، زمینه ایجاد توکل را در قلب خود فراهم کرده است. «محنة البيضاء» توحید را به چهار رتبه تقسیم بندی کرده است و مرتبه سوم از توحید را زمینه پیدایش توکل خوانده است و آن توحیدی است

ص: 40

1-1 - معجم الفاظ غرر الحکم، ص 1217.

2-2 - همان. (ترجمه آزاد)

3-3 - صلة الانسان بالله، ص 113.

که موحد فقط یک فاعل را می بیند. (1)

4- ترس از خدا: در «موسوعة مصطلحات» آمده است: کلید توکل، خوف است؟

5- ایمان: علامه طباطبائی ذیل آیه 11 سوره ابراهیم می نویسد: بدون ایمان، توکل نمی شود. (2) همچنین ذیل آیه 84 یونس ایمان و اسلام را شرط توکل بیان داشته است. (3)

6- تسلیم قضای الهی بودن: علامه مجلسی ذیل آیه 84 یونس توکل را مشروط به تسلیم شدن در برابر قضاء الهی دانسته است. (4)

7- صبر

8- تقوا

9- نیکوکاری

10- اطاعت از خدا و رسول (5)

11- یادآوری نعمت های خداوند (6)

12- برخورداری از هدایت الهی (7)

ص: 41

1-4- محجة البيضاء، ج 7، ص 383.

2-1- موسوعه مصطلحات، ص 239.

3-2- همان، ج 9، و 10، ص 113.

4-3- بحار الانوار، ج 68، ص 111.

5-4- تفسیر راهنما، ج 3، ص 183، ذیل آیه 173 آل عمران.

6-5- همان، ج 4، ص 275، ذیل آیه 11 مائده.

7-6- همان، ج 9، ص 50، ذیل آیه 12 ابراهیم.

مواضع توکل

اشاره

چه زمان و چه مکانی باید به خداوند توکل کنیم؟

جواب این سؤال تحت عنوان «مواضع توکل» قابل بررسی است که ما در این جا به آن ها اشاره ای خواهیم داشت:

1 - هنگام طلب نصرت و پیروزی:

در بهره گیری از نصرت الهی و رسیدن به پیروزی، توکل بر خداوند ضروری است همان طور که در آیه 160 سوره آل عمران سخن از نصرت الهی به میان آورده و بلافاصله مسئله توکل مؤمنان را مطرح کرده است:

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ... وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.» (2)

- اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد... و مؤمنان تنها بر خدا باید توکل کنند.

این آیه، مؤمنان را به چیزی فرا می خواند که مستحق

ص: 42

1-7 - المیزان، ج 13 و 14، ص 344.

2-1 - بصائر ذوی التمییز، ص 315.

نصرت الهی است و آن توکل بر کرم خداوند است.(1)

همچنین از آیه 23 سوره مائده می توانیم به چنین برداشتی برسیم.

2 - هنگام روگردان شدن دشمنان و رویگردانی از آن ها:

از آن جایی که رویگردانی از دشمنان، مسلمانان را با خطراتی از سوی آن ها مواجه می سازد، خداوند در آیه:

«فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (نساء: 81)»

پس از رویگردان شدن پیامبرش از دشمنان امر به توکل کرده است؛ چرا که در چنین مواقعی خداوند پشتوانه مطمئنی برای آن ها خواهد بود.(2) چنانکه در آیه دیگری خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

- اگر مردم اعم از مشرکان و منافقان و حتی خودی ها از توری گردان شدند بگو: خداوند مرا کفایت می کند و بر او توکل می کنم (توبه: 129).(3)

حضرت نوح علیه السلام نیز وقتی با کار شکنی

ص: 43

1-2 - تفسیر گازر، ج 2، ص 374؛ اثنی عشر، ج 2، ص 288؛ منهج الصادقین، ج 2، ص 374.

2-1 - بصائر ذوی التمییز، ص 315.

3-2 - تفسیر گازر، ج 4، ص 149؛ حجة التفاسیر، ج 3، ص 136؛ مواهب علیه، ج 2، ص 114 و...

و روی گردانی قومش مواجه می شود متقابلاً از آن ها روی گردان شده و بر خداوند توکل می کند. (1)

«بصائر ذوی التمییز» می نویسد:

«توکل بر خداوند در چنین حالاتی از آن روست که در عین تنهایی آدمی، تنها کفایت کننده، اوست:

«وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلاً (نساء: 81)» (2)

«لاهیجی» هم می نویسد:

مؤمنان موظف اند طبق دستور قرآنی (3) در برابر

دشمنی های مخالفان، توکل پیشه سازند. (4)

نگرانی از دشمن نه تنها در زمان مخاصمه بلکه در زمان صلح نیز وجود دارد و این امر موجب می شود که در زمان صلح نیز توکل بر خدا فراموش نشود همان طور که در آیه شریفه:

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (انفال: 61)»

پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور است با کافران در صورت تمایل آن ها، صلح نموده و از عواقب چنین کاری از جمله اهداف پنهانی کافران، ترس به دل راه نداده و بر خدا

ص: 44

1-3 - یونس: 71.

2-4 - بصائر ذوی التمییز، ص 315.

3-5 - ابراهیم: 11.

4-1 - تفسیر شریف لاهیجی، ج 2، ص 624.

توکل نماید. (1)

«علامه مجلسی» ذیل آیه 2 سوره انفال به توکل کردن هنگام امیدواری هم اشاره کرده است. (2) بر پایه مطالب مذکور، توکل هنگام ترس، خطر، صلح و امیدواری لازم است.

3 - هنگام استقبال از قضای الهی:

قدم گذاشتن در مسیری که رخدادهای آن برای ما مبهم است به همراه سختی هایی است که با توکل آسان می شود. چنانچه خداوند در آیه 51 سوره توبه پس از بیان قضای الهی دستور توکل را صادر می کند.

در جریان سفر برادران یوسف علیه السلام به مصر، حضرت یعقوب پس از آن که تسلیم قضای الهی می گردد، توکل خود را به خداوند اظهار می دارد.

همچنین قرآن کریم پس از آنکه اسرار نهانی آسمان و زمین را از آن خداوند دانسته و بازگشت همه کارها را به سوی او می داند، به توکل امر می نماید تا به این نکته برساند که هر کس مقدرات عالم را دست خداوند بداند، باید تسلیم او گشته و توکل را فراروی خود قرار دهد. (3)

ص: 45

1-2 - تفسیر راهنما، ج 6، ص 546.

2-3 - همان، ج 8، ص 487. (ذیل یوسف: 67)

3-1 - بصائر ذوی التمییز، ص 317.

4 - در تثبیت و دوام ایمان:

«لاهیجی» آیه 89 سوره اعراف را چنین ترجمه می کند: بر خداوند توکل کردیم در تثبیت و دوام ایمانمان. (1)

5 - در امر دین و دنیا:

«طبری» ذیل آیه 159 سوره آل عمران، توکل ذکر شده در آیه را مربوط به امور دینی و دنیوی می داند. (2) در مجمع البیان هم می نویسد:

«باید در کارهای دنیایی که از بدی آن ترس داریم به خدا توکل شود». (3)

6 - در هر گفتار و کردار

(4):

7 - برای رفع نیازها

(5):

و به طور کلی در «مواضع توکل» به این عبارت ها هم برمی خوریم.

ص: 46

1-2 - تفسیر شریف لاهیجی، ج 2، ص 62.

2-3 - جامع البیان، ج 3، ص 204.

3-4 - مجمع البیان، ج 4، ص 799.

4-5 - فتح القدير، ج 3، ص 164.

5-1 - تفسیر راهنما، ج 7، ص 149.

8 - توکل در همه امور لازم است

(1).

9 - در تمام حالات باید توکل کرد

(2).

ارتباط «توکل» با «تفویض»، «تسلیم»، «ثقه»، «رضا»

در توکل، مقام موکل حفظ می شود و از اعتبار ساقط نمی شود به خلاف تفویض که با تفویض، خودش و مقامش از اعتبار ساقط می شود و به دیگری سپرده می شود. به علاوه این که «مفوض الیه» می تواند ربّ یا شریک یا زوج یا افراد قومش باشد. (3)

در «چهل حدیث» به نقل از خواجه عبدالله، تفویض را لطیف تر و دقیق تر از توکل بیان کرده و سه تفاوت را میان آن دو قائل شده است:

1 - متوکل، حق را قائم مقام خود در تصرف خود می کند اما در تفویض، بنده، حول و قوتی از خود

نمی بیند و در تمام امور، خود را بی تصرف و حق را متصرف می داند.

2 - تفویض وسیع تر از توکل است زیرا توکل در مصالح است اما تفویض در مطلق امور است.

ص: 47

1-2 - روح المعانی، ج 8، ص 217 و...

2-3 - بحار الانوار، ج 68، ص 119.

3-4 - فی کلمات القرآن، ج 9، ص 157.

3 - توکل بعد از وقوع سبب توکل است اما تفویض هم قبل و هم بعد از سبب است. (1)

در مصطلحات تصوف، سه قول در خصوص توکل و تسلیم و تفویض بیان شده است که به خوبی نشانگر برتری مقام تفویض است.

قول اول: توکل، صفت مؤمنان است و تسلیم، صفت اولیاء و تفویض، صفت موحدان.

قول دوم: توکل صفت عوام است و تسلیم صفت خواص و تفویض صفت خواص الخواص.

قول سوم: توکل صفت انبیاء است و تسلیم صفت حضرت ابراهیم علیه السلام و تفویض صفت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله. (2)

عبارات «مدارج السالکین» نیز گواهی این است که رتبه بندی ذکر شده را قبول دارد و پس از مقام «تفویض»، به مقام «رضا» معتقد شده و می نویسد: رضایت ثمره «توکل» است. ایشان در جای دیگر «ثقه» را خلاصه توکل بیان کرده است. (3)

مرحوم نراقی ضمن این که مقام تسلیم را از مقام توکل بالاتر دانسته به دلیل آن اشاره کرده و می نویسد:

ص: 48

1-1 - چهل حدیث، ص 218، به نقل از شرح منازل السائرین، ص 34 و 78.

2-2 - موسوعة مصطلحات التصوف الاسلامی، ص 239.

3-3 - مدارج السالکین، ج 2، ص 127 و 149.

«در توکل، امور خویش را به خدا واگذار می کنی در حالی که هنوز به آن امور، تعلق خاطر داری اما در تسلیم، امور را به خدا وامی گذاری بدون این که به آن تعلق خاطر داشته باشی.»⁽¹⁾

ص: 49

1-1 - جامع السعادات، ج 3، ص 220.

- 1 - اثني عشرى، حسين بن احمد شاه عبدالعظيمى، انتشارات ميقات، تهران: 1363 ش.
- 2 - احياء علوم الدين، امام ابى حامد الغزالى، دارالكتاب العربى.
- 3 - اطيب الطبيان، سيد عبدالحسين طيب، انتشارات اسلام، تهران: 1378 ش.
- 4 - البرهان، السيد هاشم الحسينى البحرانى، مؤسسة البعثة، قم.
- 5 - التبيان، شيخ طوسى، مكتبة الاعلام الاسلامى، قم.
- 6 - التحقيق فى كلمات القرآن، حسن المصطفوى.
- 7 - الجديد فى تفسير القرآن، محمد السبزواري، 8 دارالتعاريف للمطبوعات، بيروت، 1402 ق.
- 8 - الجوهر الثمين، سيد عبدالله شبر، مكتبة الامين، 1407 ق، كويت.
- 9 - الكشاف، محمود بن عمر الزمخشري، (م 528 ق)، نشر البلاغة، قم، 1415 ق.
- 10 - الميزان فى تفسير القرآن، علامه محمد حسين طباطبايى، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، قم.
- 11 - بحار الانوار، علامه مجلسى، داراحياء التراث العربى، بيروت: 1403 ق.

- 12 - بصائر ذوی التمییز، محیی الدین محمد بن یعقوب الفیروز آبادی (م 817 ق) المکتبة العلمية، بیروت.
- 13 - تفسیر المنیر، محمد الکریمی، مطبعة العلمية، قم 1042 ق.
- 14 - تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- 15 - تفسیر شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد الشریف الاهیجی، مؤسسة مطبوعاتی اعلمی، تهران: 1363 ش.
- 16 - تفسیر گازر، حسین جرجانی، چاپخانه دانشگاه تهران، 1337 ش.
- 17 - جامع البیان، محمد بن جریر الطبری، (م 310 ق) دارالفکر، 1415 ق.
- 18 - جامع السعادات، محمد مهدی النراقی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1408 ق.
- 19 - چهل حدیث، امام خمینی «ره»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره»، 1371 ش.
- 20 - حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، سید عبدالحجت بلاغی، انتشارات حکمت، قم: 1368 ق.
- 21 - روح المعانی، ابوالفضل شهاب الدین محمد آلکوسی (م 127 ق)، دارالکفر، 1414 ق.
- 22 - روض الجنان، ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: 1372 ش.

- 23 - صلة الانسان بالله، الشيخ ضياء الدين العزى.
- 24 - فتح القدير، محمد بن على بن محمد الشوكانى، دارالمعرفة، بيروت.
- 25 - فرهنگ آفتاب، عبدالمجيد معاديخواه، نشر ذره.
- 26 - فى ظلال القرآن، سيد قطب، دارالشرق.
- 27 - كشف الاسرار، ابوالفضل رشيد الدين الميبدى، نشر امير كبير، تهران: 1361 ش.
- 28 - كنز العمال، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندى (م 975ق)، مؤسسة الرسالة.
- 29 - لسان العرب، ابن منظور، داراحياء التراث العربى، بيروت، 1408 ق.
- 30 - مجمع البيان، ابي على الفضل بن الحسين الطبرى، دارالمعرفة، 1406 ق.
- 31 - محجة البيضاء، مولى محسن الكاشانى، دفتر انتشارات اسلامى.
- 32 - مدارج السالكين، ابي عبدالله محمد بن ابي بكر (م 691ق).
- 33 - معانى الاخبار، شيخ صدوق، (م 381ق)، دارالكتب الاسلاميه.
- 34 - معجم الفاظ غررالحكم و دررالکلم، مصطفى درابتي، مركز الابحاث و الدراسات الاسلاميه.
- 35 - معراج السعادة، ملا احمد نراقى، انتشارات هجرت، 1378 ش.

36 - مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی (م 425ق)، نشر ذوی القربی، 1423 ق.

37 - منهج الصادقین، ملافتح اللہ کاشانی، نشر کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران: 1336 ش.

38 - من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرس، نشر دار

محبی الحسین، 1419 ق، تهران.

39 - مواهب علیه، حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری، نشر چاپخانه اقبال، تهران، 1369 ش.

40 - موسوعة اخلاق القرآن، الدكتور احمد الشر باصی، دارالرائد العربی، بیروت.

41 - موسوعة مصطلحات التصوف الاسلامی، الدكتور رفیق العجم، مكتبة لبنان ناشرون.

42 - نورالثقلین، عبدعلی بن جمعة العروسی هویزی، نشر مؤسسه اسماعیلیان، قم: 1415 ق.

ص: 53

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

